



۲۰۱۹/۰۳/۳۱

ملالی موسی نظام

## مختصری در زمینه کتاب «در افغانستان چه میگذشت»

محقق و نویسنده محترم دکتر میر عبدالرحیم عزیز،

مضمون نهایت افشاگرانه و تحقیقی تان تحت عنوان «آیا میهن فروشی و مزدوری حدی دارد؟» که در حقیقت تفصیلیست بر روی کتابی از خاطرات یک جنرال روس در عصر اشغال افغانستان عزیز که اخیراً در آریانا افغانستان منتشر شده است. این کتاب که گویا تحت عنوان «در افغانستان چه میگذشت» از روسی ترجمه گردیده دقیقاً جنبه های گوناگونی از خیانت، جنایت و وطن فروشی المناکی را در خود مضمیر دارد که قلب هر افغان وطنپرستی را به درد می آورد. در همین مختصر، هر پهلوی بیان و تفصیل آن به منزله خنجر است بران در قلب من و شما و ملیون ها مانند ما و با تمام تکرار حوادث تلخ آن دوران شوم و کار روایی های وطنفروشان و خودفروشان قهار، از داستان های ناشنیده ای هم برخوردار است که گویا «از هر زبان که میشنوی، نامرکز است».

از بیرک ملعون با پیشه سخیف خاکفروشی، چاپلوسی فطری، ضعف شخصیت و دون همتی هر چه بگویم کم گفته ایم؛ اناهیتهای راتب زاد با گذشته مرموز که جنرال روسی اشاره ای معنی دار به آن نموده است، از همان عصر ظاهر شاه در تجمل و دو رویی غرق بود، لباس گرانبهها بر تن مینمود و از استعمال عطریات و وسایل آرایش گرانیقیمت فرانسوی و ماساژ روی و موی هرگز غفلت نمیورزید و یقین که سر سجده به مقامات دیکتاتوری پرولیتاریای شوروی میگذاشت – مشتهای بسته به مدح لینن کبیر میپرداخت و خدمت به سفارت آن کشور در کابل را هم صادقانه «؟!» انجام میداد. این دو روی شیطان صفت هزاران دختر متعلم و محصل بیگناه افغان را دقیقاً شستشوی مغزی داده و مانند خود به وطن فروشی و فساد اخلاق رهنمون گشته است.

اما در مورد جنایتکار حرفه ای به نام نجیب، خوشحالم که نویسنده و ترجمان مختصر ولی کافی از فاسدترین، ظالم ترین و سفاکترین عضو آن حزب و گروه وطنفروش یاد آور گردیده است، خوب بود اگر شمه ای هم از تزویر و فریبکاری های وی که قسماً از تعلیمات بادران شوروی بود و بقیه گویا در رگ و خون وی چون یک آدم کش حرفوی ذاتاً عجین گردیده بود، هم شرحی صورت می گرفت، تا نسل های ما این کجروان و خاننین واقعی ملت خویش را هرگز فراموش ننمایند.

بیاد دارم که در عصر جمهوریت که نمایشات حزب پرچم در هر طرف علنی دیده میشد، شبی در منزل دوستی در میکروریان مهمان بودیم که اتفاقاً خانم نجیب هم جزئی از مدوعین مجلس بود، در حوالی یازده شب موتر ولگای سیاه سفارت شوروی با پلاک دیپلوماتیک نزدیک دروازه ایستاد شد و نجیب بیباکانه، با کارتتی از ودکای

روسی از آن پائین گردید. چنین بود استخدام علنی متجاوزین پنهان و آشکار آن ابرقدرت که به کمک همین وطن‌روشان به تجاوز ددمنشانه مادر وطن آزاد و غیر منسلک ملت مظلوم افغانستان منجر گردید. نجیب در آستانه سقوط اتحاد شوروی با تزویر و عوام فریبی روی به مساجد و سجده و نماز آورده و در صدد قدرت طلبی دوباره گردید که خوشبختانه با چوب بی صدای خدا به جزای اعمال جنایتکارانه و خائنانه اش رسید. گرچه خوش آمد گران بی مسئولیت چنان خائنین و جنایتکاران تأریخ کشور مذبحخانه در صدد تحریف اذهان نسل های جدید کشور اند و حتی وبسایت هایی با کیبوتران صلح فعال میسازند، ولی متاع کثیف شان دیگر در بازار باورمندی مردم رنجور افغانستان خریداری ندارد.

در مورد طوالت عصر خون و آتش اشغال افغانستان که تراژیدی قرنش هم باید نامید، نظر واقعی درین است که با جانفشانی های مجاهدین واقعی و سر به کف افغان برای نجات مادر وطن، پیشبینی خبرگان جهانی درین بود که دوام جنگ شاید از دو سه سال تجاوز ننموده و با شکست شوروی منجر گردد؛ ولی قرار داد ها، پروتوکول های احمد شاه مسعود که از یک سرباز و مجاهد به یک متحد دشمن تغییر شکل داد صحنه کارزار را رنگ دیگری بخشید؛ مخصوصاً آتش بس با شوروی که هرگز پایان نیافت سبب شد که خاطر قوای سفاک و اشغالگر از بسی قسمت های خاک پاک آسوده گردیده و متوجه بمباردمان های هولناک و جنایات فجیع بیدریغ مخصوصاً در مناطق جنوب، غرب و شرق افغانستان گردد. دردا که جنگ خونین ملت افغان با دشمن به یک دهه کشید!

بهر حال آیا آن خائینی که مادر وطن شان را دو دستی تسلیم اتحاد شوروی سفاک نمودند، میدانستند که هر قدم خلافی که برای تباهی افغانستان و مردم مظلوم آن برداشتند، در اوراق تأریخ مانند همین خاطرات جنرال روسی، به نام خود شان ثبت میگردد؟

در پاسخ آنانی که عقیده بر این است تا جنایات و خیانت های بیدریغ گروه هایی را که به غیر پیوستند و باعث بربادی بنیادی یک سرزمین و تباهی مردم بیگناه آن گردیده اند، باید به فراموشی سپرد، طوریکه شما هم بیان داشته اید، باید گفت که تأریخ خود به هر نحوی داستان تلخ مقدرات مردم افغانستان و سرزمین آنان را مانند همین خاطرات جنرال روسی، حتماً روزی آشکار میسازد.

پایان